

فیلم‌هایی
براساس متون کهن فارسی
راه افتادن، جافتادن



علیرضا محمودی

همیشه در محافل کمتر سینمایی و بیشتر روشنفکری که می‌خواهند پنبه سینماگران ایرانی را بزنند، آنها را به بی‌توجهی به میراث فرهنگی و اندوخته ادب فارسی متهم می‌کنند و ساختن فیلم از روی متونی چون شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی را دلیلی بر مدعای خود می‌آورند. سینمای ایران در دورانی که فکر می‌کرد توانایی اجرایی و فنی تولید فیلم‌هایی با اقتباس از این آثار را دارد تا حد توان کارهایی کرد. اما اقبال عمومی در اغلب موارد آنطور رقم نخورد که گرایش‌های ادبی برخی سینماگران مثل عبدالحسین سپنتا و تمایلات حرفه‌ای برخی تهیه‌کنندگان مثل اسماعیل کوشان به جریان جاری از تولیدات فیلم با داستان متون کلاسیک ادب فارسی مبدل شود.

اگر با نگاهی آماری به تولیدات سینمای ایران قبل از انقلاب دقت کنیم از بین بیش از هزار و ۲۰۰ فیلم ایرانی ساخته شده در این دوران ۱۷ فیلم داستان خود را از متون کهن و کلاسیک اقتباس کرده‌اند. اگر نقل‌های مکتوبی همچون امیراسلان و حسین کرد را هم بخشی از این آثار بدانیم؛ از شیرین و فرهاد (۱۳۱۴) عبدالحسین سپنتا که از منظومه شیرین و فرهاد نظامی گنجوی اقتباس شده تا مردان سحر (۱۳۵۰) اسماعیل نوری اعلاء که اقتباسی آزاد از شاهنامه محسوب می‌شود، موفق‌ترین فیلم‌ها آثاری هستند که یا در زمان خود جسورانه محسوب یا مطابق با خواسته‌های روز عرضه می‌شدند. مانند ۲ اقتباس از متن امیراسلان نامدار که یکی (۱۳۳۴) شاپور یاسمی) در زمان خود فیلمی جسورانه در زمینه‌های فنی محسوب می‌شد و دیگری امیراسلان نامدار (۱۳۴۵) اسماعیل کوشان) که فردین را به عنوان ستاره روز سینما در داستان شناخته شده‌ای عرضه می‌کرد.

بقیه تولیدات سینمای ایران چه بازسازی مدرن داستانی از شاهنامه توسط فریدون رهنما در سال ۱۳۴۶ و چه لیلی و مجنون (۱۳۴۹) سیامک یاسمی) هیچ کدام اقبالی در راه انداختن جریان هنری و یا تجاری برای این نوع از اقتباس‌ها نگذاشتند. مسئله این است که حساسیت‌ها درباره مراجع به این آثار آنقدر زیاد است که مهم‌ترین مانع برای ساختن فیلم از منابع نگاه کمال‌گرایانه به اقتباس از آنهاست. در حالی که تجربه سینمای انیمیشن ایرانی در این زمینه نشان می‌دهد راهی جز ساختن دوباره ساختن در این وادی وجود ندارد. برای جافتادن اول باید راه افتاد.

بابک خواجه پاشا از فیلم سینمایی **آبی روشن** می‌گوید

خانواده ایرانی، سبک زندگی

نگاه شاعرانه و انسانی



فهمه پناه‌آذر

«آبی روشن» دومین ساخته بابک خواجه پاشا بعد از فیلم سینمایی «در آغوش درخت» است؛ فیلمی که این بار سازمان اوج ساختش حمایت کرده و در جشنواره فیلم فجر امسال رونمایی می‌شود. در این فیلم بازیگرانی چون مهراڤین احمدی، مهراڤین غفوریان، مر تزی امینی تبار، سارا حاتمی و روح‌الله زمانی بازی می‌کنند. بابک خواجه پاشا در این فیلم سراغ موضوعات خانوادگی رفته و فضای شاعرانه‌ای مانند فیلم قبلی‌اش دیده می‌شود. خودش می‌گوید: این فضای شاعرانه بستگی به خود کارگردان دارد. در کارنامه سینمایی و تلویزیونی این کارگردان تولید چند سریال برای صداوسیما شبکه استانی آذربایجان غربی دیده می‌شود. او همچنین در فیلم‌های «خورشید»، «قصر شیرین»، «عاشورا» به عنوان بازیگر ایفای نقش کرده و دستیار کارگردان فیلم «محمد» به کارگردانی مجید مجیدی هم بوده است.

مانند کار تبدیل شود. به نظر مهراڤین غفوریان به دلیل استایل و شناخت خوبی که از بازیگری دارد، به خوبی توانسته نقش ایوب را بازی کند.

در آبی روشن به مسائلی چون مذهب و دین نیز اشاره

کرده‌اید.

آبی روشن هویت ما را در برمی‌گیرد. در هویت ما دین و مذهب جایگاه ویژه‌ای دارد. این هویت در عرصه‌های مختلف زندگی از هنر تا زیست روزمره مانع جریان دارد. شما هم این هویت را در طراحی کاشی‌گری‌ها و معماری‌ها می‌بینید هم در نوع تعامل و رفتارهای اعضای خانواده با یکدیگر. مذهب، نگاهی اخلاق‌مدارانه و اجتماعی به زیست و هستی فراهم می‌کند تاراه را نشان دهد. من آن را در تمام انسان‌ها با شدت و ضعف‌هایی می‌بینم. این فیلم نوعی سبک زندگی را نشان می‌دهد و به نظر تولید فیلم‌هایی با این محوریت و در این ژانر اهمیت زیادی دارد.

در این فیلم خواسته‌اید به یک اقلیم متفاوت بپردازید و

روایت قصه‌ای داشته باشید که در جایی متفاوت اتفاق افتاده است؟ سینما هر قدر به سمت بومی شدن و دربرگیری شاخصه‌های فرهنگی منحصر به فرد حرکت کند، جهانی‌تر می‌شود. قطعاً با حضور در جای ایران می‌توان عناصر تصویری و هنری خاصی را کشف و ارائه کرد که رنگ و لعاب ویژه‌ای به فیلم هم می‌دهد.

می‌توان گفت دومین فیلم شما هم یک فیلم

عاشقانه است؟

در این اثر هم مانند در آغوش درخت فضاسازی، لحن، ترکیب‌بندی را در فضای شاعرانه ترسیم کرده‌ایم. من از ساخت فیلم در این ساختار لذت می‌برم و دوست دارم در همین جنس از فیلم‌سازی بمانم چرا که این نوع فیلم‌ها توأم با امید هستند و می‌توانند به تلخ‌ترین مسائل رنگ و بوی امید بدهند. البته باید بگویم این شاعرانگی به نوع نگاه و جهان‌بینی کارگردان بستگی دارد اینک فیلمساز از چه زاویه دیدی به جهان اطراف خود نگاه می‌کند و یکی از علاقه‌مندی‌های من در امر فیلم‌سازی نگاه به داستان از همین زاویه نگاه شاعرانه و انسانی است.

چه شد که بعد از در آغوش درخت فیلم سینمایی آبی

روشن را ساختید؟

زمانی که فیلمنامه را خواندم توانستم با متن ارتباط خوبی بگیرم. همیشه معتقدم که یکی از دلایل مهمی که سبب می‌شود فیلمساز یک فیلمنامه را انتخاب و آن را به یک اثر تصویری تبدیل کند همین ارتباط گرفتن با متن آن است که توانسته به ایده‌های ذهنی کارگردان مرتبط شود.

آبی روشن دومین تجربه کارگردانی شما بعد از در

آغوش درخت است. این فیلم چه موضوعی دارد؟ آیا در این فیلم

هم به موضوعات خانوادگی پرداختید؟

به نظر همه چیز در پیرامون ما از خانواده رشد می‌کند. ویژگی‌های اخلاقی و هدف، امید و زندگی برای هر فردی در بستر خانواده شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. نمی‌توان در آثار سینمایی از این موضوع غافل شد. شاید این مفاهیم در ادامه برای فرد تغییراتی ایجاد کند و نوع نگاهش دستخوش تحول شود، اما این مباحث ابتدا در جان خانواده رنگ می‌گیرد. به نظر من خانواده مقدس‌ترین بنیان هستی است.

بازیگران نام‌آشنایی در فیلم هستند که می‌توان به

مر تزی امینی تبار و سارا حاتمی اشاره کرد. انتخاب بازیگران به چه شکل بود؟

هر دو این بازیگران جوان و توانمند و در عین توانمندی بسیار هم باخلاق هستند و با آنها تجربه خوبی در آبی روشن داشتم. این دو بازیگر با نقش‌های مدنظر ما تناسب و هماهنگی داشتند و از آنها برای حضور در فیلم دعوت کردیم. معتقدم هر دو بازیگر در سینمای ایران آینده‌دار هستند.

بعضی بازیگران مانند مهراڤین غفوریان

نقش کوتاهی در این فیلم داشتند.

به نظر من بازیگرانی که توانایی درخشش

در نقش‌های کوتاه را دارند، در

سینمای ما تعدادشان بسیار کم

است. البته که علاوه بر بازیگر

خود نقش نیز باید این ظرفیت را

داشته باشد که بتواند به نقشی

